

نگاهی به یکه تازی فیلم های کمدی با رویکرد جامعه شناختی در گفت و گو با دکتر اردشیر انتظاری

# اقبال به فیلم های کمدی، همیشگی نیست

زینب رازدشت  
روزنامه نگار

آمارهایی از فروش فیلم ها به گوش می رسد؛ گاهی فروش های میلیاردری برخی از فیلم ها، قدری عجیب به نظر می رسد. عجیب از این نظر که فیلمی در ژانر جدی، با

ترکیب بندی مناسب، در کنار فیلمی با ژانر کمدی قرار می گیرد اما نتیجه داستان، این می شود که آن فیلم کمدی، در صدر فروش فیلم ها قرار می گیرد. این روزها، دو فیلم طنز فسیل و هتل، توانسته اند مخاطبان بسیاری را به خود جذب کنند؛ تا جایی که جزء فیلم های پرفروش به شمار می روند. برخی از فیلمسازان از این روند، مبنی بر گرایش تماشاگران

سینما به سمت فیلم های طنز، قدری نگران هستند و بر این تصورند که شاید همین امر، سبب شود که کمتر شاهد ساخت فیلمی در دیگر ژانرها باشیم. این موضوع را به لحاظ جامعه شناسی با دکتر اردشیر انتظاری، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی در میان گذاشتیم و با او به صحبت نشستیم.



در بسیاری از اوقات، شاید بتوان گفت فیلم طنزی که ساخته شده، فیلمی هنرمندانه تر است. گاهی ممکن است فیلمی در ژانر طنز ساخته شود، اما جذابیت نداشته باشد و مخاطب از آن استقبال نکند، چون خنده اش نگرفته است. ما نباید چندان فیلم طنز و مخاطبانش را دست کم بگیریم؛ بلکه گاهی فیلم های طنزی که مردم از آن استقبال می کنند، دارای فیلمنامه ای غنی و هنرمندانه است، حتی به لحاظ اعتبار. همه این مسائل، باعث می شود تا فیلمی جذاب باشد، حتی فیلم طنز؛ در مقابل هم، شاید مادر حرف جدی زدن به مردم، آن دانش و هنر لازم را به کار نمی بریم



فکر می کنید گرایش مردم به سمت فیلم های کمدی از کجا نشأت گرفته است؟

در وهله اول، این گرایش - های منفی، تحت تأثیر وقایع و رخدادهایی اتفاق می افتد که مردم تجربه کرده اند و در نوسان است؛ این طور نیست که الان مردم به سمت طنز گرایش یافته اند و به همین صورت پیش روی می کنند. بلکه این موضوع رفت و برگشت دارد. یعنی در دوره ای تحت تأثیر یک اتفاقات و رخدادهایی، ممکن است این گرایش به سمت فیلم های طنز بیشتر و در دوره ای کمتر باشد و گرایش ها به سمت فیلم های جدی و حتی فیلم های ترسناک و ژانر وحشت، سوق پیدا

کند. همه اینها بستگی به وضعیت عمومی جامعه و تجربیات مردم دارد. امروز مردم تمایل به تماشای فیلم های طنز دارند. همچنین نباید این موضوع را به حساب مردم گذاشت که مردم ذائقه شان این است که فیلم طنز ببینند؛ خیر تنها این نیست. در بسیاری از اوقات، شاید بتوان گفت فیلم طنزی که ساخته شده، فیلمی هنرمندانه تر است. گاهی ممکن است فیلمی در ژانر طنز ساخته شود، اما جذابیت نداشته باشد و مخاطب از آن استقبال نکند، چون خنده اش نگرفته است. ما نباید چندان فیلم طنز و مخاطبانش را دست کم بگیریم؛ بلکه گاهی فیلم های طنزی که مردم از آن

استقبال می کنند، دارای فیلمنامه ای غنی و هنرمندانه است، حتی به لحاظ اعتبار. همه این مسائل، باعث می شود تا فیلمی جذاب باشد، حتی فیلم طنز؛ در مقابل هم، شاید مادر حرف جدی زدن به مردم، آن دانش و هنر لازم را به کار نمی بریم.

ضعف اصلی در فیلم های جدی چیست؟

یکی از ضعف هایی که در فیلم های جدی داریم این است که در آنها شاهد معنای تئوریک نیستیم. همین نبود معنای تئوریک در فیلم های جدی سبب می شود تا این فیلم ها تصویر روشن و شفاف نداشته باشد. حتی در برخی از فیلم های جدی شاهد هستیم که

مخاطب جذب آن می شود، زیرا هنرمندانه ساخته شده و دارای فیلمنامه درستی است. همچنین بازیگرانش در نقش هایشان موفق عمل کرده اند. در نهایت، مجموعه عواملی که سکانس ها را می سازد، همه خوب کار کرده اند. این مسائل، سبب افزایش جذب یک فیلم، از سوی تماشاگران می شود. همچنین فیلمی جدی که به سؤال مخاطب پاسخ درستی دهد و ابهامات ذهن مخاطب را برطرف کند، برای تماشاگر فیلمی جذاب محسوب می شود. گاهی اوقات، شاهد هستیم که برخی از موضوعات، برای گروهی از مردم، دردناک هستند. برای مثال، فرد، تجربه تلخی از فرزندش در بیمارستان دارد و یا گرفتاری های مختلفی که با آن روبه روست برایش زجرآور است. حال آن مجموعه عوامل از فیلمنامه نویسی تا بازیگر نتوانسته اند طوری هنرمندانه آن موضوعی را که تماشاگر در زندگی واقعی اش با آن درگیر بوده بدرستی منعکس کنند تا باعث آزار و اذیت مخاطب نشود. در برخی از فیلم ها شاهد هستیم که موضوعات بسیار عریان و بدون لحاظ آثاری که روی مخاطب دارد، نمایش داده می شود تا مخاطب با آن موضوع همدردی کند. در حالی که تماشاگر، حتی حاضر نیست و رغبت نمی کند که آن فیلم را ببیند. اینجا دیگر تقصیر مخاطب نیست، بلکه مقصر آن فیلمساز است که رعایت ملاحظات و وضعیت مخاطب را نکرده است. به همین دلیل، مردم تمایل ندارند آن چیزی را ببینند که غصه مضاعفی را در تماشای فیلم داشته باشند؛ چرا که به اندازه کافی در زندگی شان غصه دارند؛ در عین حال، چیزی برای شان روشن نمی شود و در نهایت، آورده ای برایشان ندارد. به طور کلی، اگر شرایط به گونه ای باشد که مردم تجربه تلخی را پشت سر گذرانده باشند و اذیت شده باشند، تمایل دارند به سراغ فیلم هایی بروند که مقداری مرهمی باشد برای آرامشان، نه آن نمکی بر زخم هایشان باشد.

اگر این روند ادامه یابد، چه آینده ای در انتظار سینمای ایران است؟

همیشه سخت نیست؛ چرا که داستان سبب زمینی و پویایی است که هر ساله وارد بازار می شود. یعنی یک سال سبب زمینی کم می شود، قیمتش بالا می رود. سال بعد کشاورزان به جای اینکه پیاز بکارند، سیب زمینی می کارند، غافل از اینکه دیگران هم سیب زمینی کاشته اند، حالا در آن سال شاهد وفور سیب زمینی و کمبود پیاز و افزایش قیمت پیاز هستیم.

این وضعیت در سینما هم صادق است. هم اکنون مشاهده می کنند که دو فیلم کمدی ساخته شده است، همه به دنبال ساخت فیلم کمدی می روند، در حالی که نمی دانند آن دو فیلم کمدی، حتماً خوش ساخت بوده است که مخاطب دارد و توانسته است فروش خوبی داشته باشد. این طور نیست که لزوماً هر فیلم کمدی باشد از تماشاگر زیادی برخوردار باشد. شاید الان برخی از فیلمسازان مشاهده کنند که فیلم های کمدی پرفروش هستند، به سراغ ژانر کمدی بروند و سپس مشاهده کنند که چند فیلم با ژانر جدی اکران شده و رکورد فروش را زده است، دوباره به سمت این ژانر می آیند.

سینماگر عاقل باید به نبض جامعه و شرایطی که جامعه اش دارد، توجه کند. مخاطبان سینمای کشور، توسط رسانه ها پرورش یافته اند و چندان نباید ذائقه شان را دست کم گرفت. این ذائقه را سینماگران به وجود آورده اند و نباید مردم را محکوم کرد.

البته اگر این حرف درست باشد که

